

دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو* ◇

سیده فاطمه محبی^۱
مونس سیاح^۲
شیما سادات حسینی^۳

چکیده

هدف: این مطالعه با هدف شناسایی دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو انجام شده است. **روش:** این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی و برگزاری جلسات بحث گروهی با ۲۰ نفر از دختران دانشجو در سنین ۲۷ تا ۳۸ سال در مقاطع مختلف تحصیلی و رشته‌های مختلف علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم تجربی و پزشکی و نیز گروه هنر انجام شد. **یافته‌ها:** بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان در بحث گروهی، دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج شامل دو تم مفهومی تأخیر ازدواج به مثابه فرصت‌سازی و تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سوزی است. همچنین مشارکت‌کنندگان علل تأخیر در ازدواج را تنگنای ازدواج، ریسک ازدواج، زاویه‌گیری خانواده از ازدواج، آتومی در ازدواج، تغییر فضا و ترجیحات نوین همسرگزینی، محاسبه هزینه - فایده ازدواج، سپهر روانی تجرد، بی‌اخلاقی‌های اجتماعی و بازاندیشی در هویت زنانه برشمرده‌اند. **نتیجه‌گیری:** راهبرد اساسی در زمینه مواجهه با این پدیده، آگاه‌سازی دانشجویان، خانواده‌ها و نهادهای آموزشی از علل و پیامدهای درگیری دانشجویان در دو راهی‌های تحصیل و ازدواج است.

واژگان کلیدی: تأخیر در ازدواج، تحصیلات عالی، تجرد، دختران دانشجو، سن ازدواج.

◇ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۱۳؛ تصویب نهایی: ۹۵/۰۳/۲۰.

* این مقاله مستخرج از نتایج طرح پژوهشی «تحلیل جامعه‌شناختی تنگنای ازدواج (تأملی بر موانع ازدواج دختران دانشجو و ارائه راهکارها)» به سفارش گروه مطالعات زنان و خانواده پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی است.

۱. دانشجوی دکتری رشته مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول) / نشانی: خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، نرسیده به خیابان بزرگمهر، شماره ۳۰۹ / شماره ۶۶۴۱۲۲۴۷ / Email: Mohebi_sf@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه صنعتی شریف.

۳. دانشجوی دکتری رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور تهران؛ عضو گروه مطالعات زنان و خانواده، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.

الف) مقدمه و طرح مسئله

از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج یک قرارداد دوجانبه و ضامن بقای نسل انسانی است که آثار مستقیم و غیر مستقیمی را بر زندگی فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد. امروزه تغییرات ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، شرایط و ضرورت‌های جدید را برای ازدواج رقم زده و موجب بروز تمایزات آشکاری میان شیوه‌ها و ساختارهای ازدواج در جامعه سنتی و جدید شده است. از مهم‌ترین این تحولات، تأخیر در سن ازدواج جوانان است. این پدیده تحت تأثیر تغییرات ساختاری و ارزشی جامعه از یک سو و شرایط بی‌سازمانی و ناهماهنگی خرده‌نظام‌های اجتماعی از سوی دیگر، به عنوان یک مسئله اجتماعی نمود یافته است. مثلاً با افزایش دانشجویان دختر، میانگین سن ازدواج نیز بالا رفته است (ایسنا، ۱۳۹۴)؛ به طوری که بر اساس آمار ثبت احوال، شاخص تأخیر سن ازدواج در زنان، در کمتر از ۱۰ سال به بیش از دو برابر افزایش یافته است. در حال حاضر افزایش میانگین سن ازدواج برای مردان به بالای ۳۵ سال و برای زنان به بیش از ۳۰ سال رسیده است. (روزنامه جام‌جم، ۱۳۹۳)

با توجه به گرایش روزافزون دختران به تحصیل در مقطع آموزش عالی و تأثیر آن بر پدیده تأخیر در ازدواج، ضروری است تا در یک مطالعه علمی به واکاوی دیدگاه‌های افراد درگیر در موضوع پرداخته شود. البته انجام این مطالعه از دو جنبه نظری و کاربردی نیز حائز اهمیت است: از بُعد نظری، به عنوان یک مطالعه کیفی، می‌تواند در جهت شناخت هر چه بهتر این پدیده مؤثر باشد و از جنبه کاربردی می‌توان با شناخت عوامل مؤثر بر آن، آگاهی‌های لازم را برای از میان برداشتن موانع موجود بر سر راه ازدواج دانشجویان دختر کسب کرد. هدف اساسی تحقیق، شناسایی دلالت‌های معنایی در مورد تأخیر در ازدواج است. لذا سؤالات تحقیق را می‌توان به ترتیب ذیل مطرح کرد:

- دیدگاه‌ها و نظرات افراد درگیر در تأخیر ازدواج در مورد پدیده مورد بحث و صورت‌بندی دیدگاه‌ها به لحاظ نظری چیست؟
- زمینه‌ها و علل شکل‌گیری پدیده تأخیر در ازدواج از نظر سوژه‌ها کدامند؟

ب) پیشینه تحقیق

مک‌دونالد هیول^۱ در ۱۹۴۴، در پژوهشی با عنوان «بررسی علل افزایش سن ازدواج» یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر را تحصیلات عالی زنان می‌داند که با تأخیر ازدواج همبستگی نشان می‌دهد (هیول، ۱۳۸۸: ۷۸). به

دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو ◇ ۲۵۳

گفته فرگوسن^۱، تایلر و گلین^۲ (۱۹۷۶) نشان دادند که با بالا رفتن تحصیلات زنان، انگیزه ازدواج کاهش می‌یابد. اسپریچر^۳ و همکاران (۱۹۹۴) نیز یافته مشابهی را ذکر می‌کنند. این پژوهشگران در تبیین این یافته اظهار می‌دارند در گذشته، زنان برای امرار معاش نیازمند مردان بودند. ولی با گسترش تحصیلات عالی در بین زنان و برخورداری از موقعیت اقتصادی-اجتماعی، آنها وابستگی اقتصادی کمتری پیدا کردند و همین امر می‌تواند انگیزه کم زنان تحصیل کرده برای ازدواج را توجیه کند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۳). دایکمن و برودل^۴ (۱۹۹۷) در تحقیق خود با عنوان «تحصیلات و ازدواج»، در مطالعه‌ای مقایسه‌ای نشان دادند که انتظار می‌رود آموزش عالی، سن ازدواج زنان را افزایش دهد. لورنس و ایکاماری^۵ (۲۰۰۵) در مطالعه خود با عنوان «تأثیر آموزش عالی بر زمان‌بندی ازدواج در کنیا»، این نوع تأثیر را توضیح می‌دهند. کانگهارن و مایترا^۶ (۲۰۰۱) در مطالعه خود با عنوان «اثر آموزش بر زمان ازدواج و تولد اول در پاکستان»، به ارتباط میان آموزش و سن ازدواج تأکید کردند.

در مطالعات داخلی نیز عامل تحصیلات زنان در تأخیر ازدواج آنان تأیید شده است؛ از جمله در مطالعات کاری (۱۳۸۲)، کاظمی پور (۱۳۸۳؛ ۱۳۸۸)، آبرفت (۱۳۸۴)، نیک منش و کاظمی (۱۳۸۵)، حبیب پور (۱۳۸۵)، اسکندری چراتی (۱۳۸۷)، رفاهی و همکاران (۱۳۸۹) و میرسندهی و همکاران (۱۳۹۰).

مطالعه کمی - کیفی در زمینه موانع ازدواج دختران، توسط موسوی (۱۳۸۲) انجام شده است. مطالعه وی نشان داد که اغلب دختران جامعه ایرانی در امر ازدواج، تقریباً با موانع مشابهی (پیدا نکردن فرد مناسب؛ مخالفت و سختگیری خانواده با خواستگاران یا فرد مورد نظر دختر و داشتن تجربه شکست در رابطه قبلی چه به صورت عقد، نامزدی یا دوست پسر) مواجهند. در مجموع با مرور مطالعات مختلف می‌توان بیان داشت که مطالعات داخلی عمدتاً از دیدگاهی کمی به این قضیه پرداخته‌اند و تاکنون پژوهشی در مورد موضوع مقاله با روش کیفی انجام نشده و از این منظر، این مطالعه بدیع و جدید است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم، فصل دوم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰

ج) جایگاه ازدواج در اسلام

اسلام از ابعاد گوناگون به اهمیت ازدواج پرداخته و آن را مقدس شمرده است. ازدواج در آموزه‌های دینی کارکردها و ضرورت‌های فردی و اجتماعی دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. Ferguson
2. Tyler & Galin
3. Asprchr
4. Andreas Diekmann & Josef Brüderl
5. Lawrence & Ikamari
6. Lata Gangadharan & Pushkar Maitra

۱. **ضرورت‌های فردی:** شامل پاسخ مثبت به فطرت و عامل بروز استعدادها.^۱ از نظر اسلام، ازدواج عامل تکامل انسان است و در سایه آن، زن و مرد به تعالی رسیده، به جایگاه واقعی خود دست می‌یابند.
۲. **ضرورت‌های اجتماعی:** ازدواج از نظر اسلام وسیله‌ای برای پاکدامنی و پاک زیستن در جامعه است. بعضی از روایات، ازدواج را وسیله حفظ نیمی از دین و برخی روایات، دو سوم دین بیان کرده‌اند. رسول خدا(ص) به زیدبن حارثه فرمودند: ازدواج کن تا پاکدامن باشی^۲ و در سخنی دیگر فرمودند: مردان را زن دهید تا خدا اخلاقشان را نیکو، ارزاقشان را وسیع و جوانمردیشان را زیاد گرداند.^۳ در روایتی دیگر، به زنی که گفته بود دیگر ازدواج نخواهم کرد، فرمودند: «ازدواج برای حفظ عفاف لازم است».^۴ رسول اکرم(ص) اکرم(ص) فرمودند: «من تزوج فقد احرز نصف دینه»^۵ هر کس ازدواج کند، نیمی از دینش را بازیافته است. در جای دیگر فرمودند: «ما من شاب تزوج فی حدائنه سنه الا عجز شیطانہ یا ویله عصم منی ثلثی دینه»^۶ هر کس در ابتدای جوانی ازدواج کند، شیطان فریاد می‌کند: ای وای، دو سوم دین خود را از شر من حفظ کرد. ازدواج همچنین موجب جلب رضایت الهی می‌شود. پیامبر(ص) فرمودند: هیچ چیز نزد خداوند محبوب‌تر از این نیست که خانه‌ای در اسلام به وسیله ازدواج آباد شود. همچنین نجات از فقر و برخورداری از فضل خداوند یکی دیگر از فواید ازدواج است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ازدواج کنید و اگر فقیر باشید، خداوند شما را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد.^۷ لذا از نظر اسلام، تشکیل خانواده، عملی است که باید به عنوان یک امر الهی و یک وظیفه انجام گیرد.

د) رویکردهای نظری

به علت ماهیت کیفی پژوهش، محققان با یک رویکرد نظری خاص و مشخص به بررسی پدیده مورد نظر نپرداخته‌اند، بلکه با تکیه بر داده‌های کیفی به دنبال کشف و درک دیدگاه‌ها بوده‌اند. در ادامه به اختصار بعضی از مرتبط‌ترین نظریه‌ها برای تحلیل ارائه می‌شوند.

۱. «ما من شیء أحب الی الله عز وجل من بیت یعمر فی الاسلام بالنکاح» الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۵: ۳۲۸.

۲. شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۲۰: ۳۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳: ۲۲۲.

۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰: ۱۶۶.

۵. مکارم الاخلاق، ص ۱۹۶.

۶. بحارالانوار، ج ۱۰۳: ۲۲۲.

۷. «وَ اتَّخِذُوا لِلْآيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲)

۱. نظریه مضیقه ازدواج

مضیقه ازدواج به عنوان یکی از عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج، از رهیافت مبادله قابل تبیین است. با توجه به ترکیبات مبادله، هرگاه در بازار ازدواج، تقاضا برای دختران بیشتر از عرضه آنها باشد، دختران در سنین پایین‌تری ازدواج می‌کنند و بر عکس، هرگاه عرضه بیشتر از تقاضا باشد، سبب بالا رفتن سن ازدواج دختران می‌شود. در واقع؛ بازار عرضه و تقاضاست که سن ازدواج را تعیین می‌کند. (کوشی، ۱۳۸۳)

۲. نظریه مدرنیزاسیون

امروزه فرایند نوسازی و شرایط در حال گذار جامعه ایران، نهادهای خانواده و ازدواج را در یک مسیر انتقالی قرار داده است. یکی از نشانه‌های بارز این انتقال، تغییر ایده‌ها و نگرش‌ها نسبت به زمان ازدواج است. همگانی شدن آموزش و تحصیلات که از ره‌آورد‌های مهم نوسازی‌اند، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری نگرش‌ها و دیدگاه‌های جوانان در ارتباط با موقعیت ایده‌آل ازدواج داشته‌اند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۵). برای مثال؛ برای زنان با تحصیلات بالاتر، امکان حضور فعال در بخش‌های مختلف جامعه بیشتر می‌شود. در نتیجه، آنها برای خود، موقعیتی مشابه با موقعیت مردان طلب می‌کنند. (دلخوش، ۱۳۸۶: ۳۰۲)

۳. نظریه سبک زندگی

سبک زندگی، روشی است که افراد در طول زندگی انتخاب کرده‌اند. سبک زندگی «الگوی کنش‌های مرجح یا کنش‌های مرجح دارای الگو است.» پس بنا به این تعریف، سبک زندگی دو ویژگی اصلی دارد: یکی، داشتن الگو و دوم اینکه، در این کنش‌ها نوعی ترجیح وجود دارد. به عبارتی؛ مردم بسیاری از رفتارها را بر حسب اجبار یا عادت انجام می‌دهند، اما بخشی از رفتارهایشان از سر انتخاب و ترجیح است. این انتخابها به باورها و سلیقه‌های افراد برمی‌گردد و در نتیجه با هم تناسب و ربط دارد و از این مناسبات می‌توان الگو یا الگوهایی استخراج کرد. نظریه‌پردازان و محققان سبک زندگی در مورد برخی مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و شروط تحقق سبک زندگی در یک جامعه متفق‌القولند و در مورد برخی دیگر، اختلاف نظر دارند. ویژگی‌های مورد وفاق عبارتند از:

۱. ترجیحات افراد در زندگی روزمره دارای سبک است.

۲. سبک زندگی هم وجه فردی و همه‌وجه گروهی دارد، اما اعضای یک گروه سبک زندگی با هم

تعامل دائم یا پایدار ندارند.

۳. شرط تحقق سبک زندگی، داشتن حق انتخاب در میان محدودیتهای ساختاری است (صالحی امیری و

حاجبانی، ۱۳۸۶). بر این اساس، الگوی ازدواج و نحوه همسرگزینی از جمله ابعاد سبک زندگی است. در دنیای

کنونی، افراد از سبک‌های زندگی والدین خود تبعیت نمی‌کنند. آنها سبک‌های زندگی خود را تغییر می‌دهند

که بر تمام جوانب زندگی‌شان از جمله همسرگزینی تأثیر خواهد گذاشت (ر.ک: گیبینز و بورنمر، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۱).

سبک زندگی برابری از وضعیت فرد در سه ساحت شناختی و بینشی، عواطف و احساسات و کنش و رفتار است. چنانچه سبک زندگی فرد در این سه ساحت با آموزه‌های دینی مطابقت داشته باشد، می‌توان فرد را ملتزم به سبک زندگی اسلامی دانست.

۴. نظریهٔ برابری جنسیتی

در سراسر قرن بیستم تا دههٔ ۱۹۷۰، نهاد خانواده در تمام کشورهای پیشرفتهٔ معاصر به صورت نهادی قلمداد می‌شد که در آن، جنس مذکر نان‌آور خانواده محسوب می‌شد و مسئولیت نگهداری بچه‌ها بر عهدهٔ مادر بود. در این حالت، اصل کلی بر «ایجاد تمایز بین مرد و زن» بود. عکس این حالت، مدل برابری جنسیتی است که فمینیست‌ها آن را عرضه و تبلیغ می‌کنند. از جمله اصول این مدل، تساوی کامل زن و مرد، برابری منابع درآمد، مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و کشیدن خط بطلان بر سیاست‌های مردسالارانه است. ملاحظه می‌شود که در این دیدگاه، بیشترین بحث، برابری فرصت بین دو جنس یا رقابت در این مسیر است؛ برابری از لحاظ آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و... با توجه به این مدل، زنان در همهٔ زمینه‌ها سعی می‌کنند گام به گام با مردان پیش روند که در نتیجه، سن ازدواج زنان به تأخیر می‌افتد. به تأخیر افتادن سن ازدواج، هزینه‌ای است که به اعتقاد فمینیست‌ها، زنان برای دستیابی به برابری فرصت، مجبورند پرداخت کنند. (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸)

هـ) روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه کیفی، به دلیل ماهیت موضوع تحقیق، از میان انواع روشهای جمع‌آوری داده‌ها، از روش بحث گروهی متمرکز^۱ استفاده شده است. هدف اساسی بحث گروهی متمرکز، شناسایی دیدگاههای متفاوت حول موضوع پژوهش و فهم مسائل از دیدگاه شرکت‌کنندگان است (هنیک، ۱۳۹۲: ۳۲). اساس این روش را برهم کنش و برخورد اندیشه‌ها در گروه و به ساختار و کلام درآمدن اندیشه‌های سازمان‌نیافتهٔ آنها تشکیل می‌دهد. بحث گروهی فرصتی برای جمع‌آوری سریع مقادیر زیادی از تعاملات در موضوع مورد بررسی را فراهم می‌کند. در این بحث گروهی، ۲۰ نفر به صورت هدفمند از بین دانشجویان سنین ۲۷ تا ۳۸ سال در مقاطع مختلف تحصیلی و در رشته‌های علوم انسانی، فنی و مهندسی و علوم تجربی و پزشکی و دارای تجربهٔ زیسته در موضوع مورد بحث انتخاب شدند. مشارکت در مطالعه، داوطلبانه بوده و اهداف مطالعه به تمام شرکت‌کنندگان توضیح داده شد. همچنین به مشارکت‌کنندگان اطلاع داده شد که هر زمانی که مایل باشند می‌توانند از مطالعه خارج شوند. گمنامی کامل طی بحثهای گروهی متمرکز و مصاحبه‌ها

دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو ۲۵۷

رعایت شد. سؤالات اصلی در این بحث گروهی در دو محور کلی متمرکز بوده است: محور اول، نظرات مشارکت‌کنندگان در مورد پدیده تأخیر در ازدواج و محور دوم، علل این پدیده در سالهای اخیر بود. در این بحث گروهی، محققان به عنوان تسهیل‌گر، موضوع را به اعضای گروهها معرفی و بحث را هدایت کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش «تحلیل تماتیک» انجام شده است. این نوع تحلیل عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن، محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمدپور، ۱۳۸۸). تحلیل تماتیک در وهله اول به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویابی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت‌های موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی؛ تم‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند. در این مطالعه، متن گفتارهای مشارکت‌کنندگان، چندین بار توسط محققان مرور شد تا برداشت کلی در مورد متن به دست آید. سپس در سطح اول از فرایند کدگذاری با تأکید بر محتوای آشکار و ضمنی این داده‌ها از جملات و پاراگراف‌های واحد تحلیل شناسایی شد و کدهای ذیل آنها نیز مشخص شد. سپس کدها بر اساس تفاوت‌ها و تشابهات به طبقه تقبیل یافت. بسته به ارتباط بین زیرطبقات، تعداد زیادی از آنها در طبقات دیگر سازماندهی شدند. فرایند کدگذاری، به صورت مکرر توسط تیم تحقیق کنترل و در صورت بروز تناقض، این عدم هماهنگی برطرف شد. سپس طبقه‌ها به صورت الگوی مفهومی معنادار کنار هم گذاشته شد و ارتباط بین طبقات شناسایی و کدهای اصلی ظاهر شدند. در مطالعات کیفی برای اطمینان از دقت در تفسیر داده‌های به دست آمده و ارزیابی پایایی تحلیل می‌توان از نظرات محقق خارجی با تجربه بهره گرفت و میزان مشابهت دو تحلیل را با هم مقایسه کرد. لذا کدگذاری مجدد نتایج توسط دو نفر از همکاران تحقیق بدون اطلاع از کدگذاری قبلی انجام و کدها در نهایت با یکدیگر مقایسه شدند. همچنین برای تعیین اعتبار یافته‌ها، اطلاعات به سه نفر از شرکت‌کنندگان^۱ داده شد تا اعتبار توصیف تأیید شود. در جدول ۱ مشخصات مشارکت‌کنندگان در بحث گروهی به تفکیک سطح و رشته تحصیلی و سن ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در بحث گروهی

شماره	رشته	سطح تحصیلات	سن
۱	مشاوره	ارشد	۲۷
۲	حسابداری	ارشد	۲۸
۳	بیهوشی	ارشد	۳۳
۴	زیست بیولوژی	ارشد	۳۴
۵	مهندسی نرم افزار	دکتری	۳۸
۶	مهندسی صنایع	ارشد	۳۴
۷	پزشکی	دکتری	۳۴
۸	طراحی لباس	لیسانس	۳۰
۹	پژوهش هنر	دکتری	۳۲
۱۰	جامعه‌شناسی	ارشد	۲۹
۱۱	حقوق	ارشد	۲۸
۱۲	متالوژی	ارشد	۲۸
۱۳	کامپیوتر	دکتری	۲۹
۱۴	دندان پزشکی	دکتری	۳۱
۱۵	پرستاری	لیسانس	۳۰
۱۶	معماری	ارشد	۳۵
۱۷	ادبیات	لیسانس	۳۷
۱۸	برق قدرت	ارشد	۳۷
۱۹	بهداشت محیط	ارشد	۳۸
۲۰	مامایی	ارشد	۳۱

(و) یافته‌ها

قبل از ورود به تحلیل داده‌ها، ذکر این نکته ضروری است که کلیه یافته‌ها جنبه اکتشافی داشته، به هیچ وجه قابل تعمیم نیستند؛ اگر چه بعضاً با چارچوبهای نظری تطابق دارند و در مرحله تحلیل داده‌ها، ادبیات نظری موضوع می‌تواند به عنوان چارچوبهای ارجاعی مورد استناد قرار گیرد. لذا در بررسی یافته‌ها، در صورت لزوم از نظریات اشاره شده بهره گرفته شد.

۱. دلالت‌های معنایی در مورد تأخیر در ازدواج

مشارکت‌کنندگان در این مطالعه در مورد سؤال اول، ارزیابی خود را از تأخیر در ازدواج مطرح کردند. دیدگاه‌ها در این خصوص کاملاً متفاوت از یکدیگر بود و دو مضمون اصلی شامل تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سازی و تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سوزی استخراج شد.

یک) تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سازی

از منظر تعدادی از مشارکت‌کنندگان در بحث گروهی، تأخیر در ازدواج امری مطلوب و سازنده است. این گروه بیان داشتند که تأخیر در ازدواج می‌تواند دلالت‌های معنایی مثبت نظیر فریگی انتخاب (به مفهوم انتخابی

دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو ◇ ۲۵۹

شایسته و معقول و دور از هیاهوی دوران جوانی و ایجاد پختگی در انتخاب و تداوم زندگی، ورزیدگی اجتماعی (به مفهوم امکان کسب شایستگی‌ها و توانمندی‌های اجتماعی)، خودسامان‌یابی فرد (به این معنا که تأخیر در ازدواج به مثابه سازوکار ابراز هویت خویشتن، اثبات فردی، بازسازی هویت فردی و اجتماعی خود و پرورش مهارت‌های فردی و تجربه لذت و تأکید بر کسب لذت از دوران جوانی) و رهایی از محدودیتهای جنسیتی را به همراه داشته باشد. از منظر برخی مشارکت‌کنندگان، تأخیر در ازدواج می‌تواند موجب آزادی از قید و بندهای مبتنی بر جنسیت و نقشها و وظایفی شود که به واسطه ازدواج بر عهده زن نهاده می‌شود. از نظر برخی مجردان، پیشرفت در امور مختلف زندگی با تأکید بر تحصیل، پیشرفت شغلی و اقتصادی، مانند استقلال مادی، استقلال و آزادی اجتماعی، نداشتن محدودیت در تصمیم‌گیری، آسودگی خیال از بابت مشکلات زناشویی و عدم مسئولیت‌پذیری نسبت به همسر و فرزندان، جوان ماندن، شکوفا شدن قابلیت‌ها و استعدادهای فردی و کاهش ریسک تبعات منفی ازدواج نامطلوب، از جمله تأثیرات مثبت تجرّد است (رک: حبیب‌پور، ۱۳۸۵). در جدول ۲، روایت‌های برخی از مشارکت‌کنندگان در خصوص دیدگاه‌شان پیرامون تأخیر در ازدواج مطرح شده است.

جدول ۲: دلالت‌های معنایی مثبت نسبت به تأخیر در ازدواج

دلالت‌های معنایی	تم‌ها	روایت‌هایی از مشارکت‌کنندگان
تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سازی	فربگی انتخاب	الان دیگه توی انتخابهام وسواس بیشتری دارم، از عشق کمتر نشانی پیدا میشه و انتخابهام عاقلانه است و بیشتر حساب و کتاب داره تا احساس. دیر ازدواج کردن آدم رو از رویاپردازی دخترانه دور و به واقعیت نزدیک میکنه. (مشارکت‌کننده ش ۱۰)
	خودسامان‌یابی فردی	وقتی دیرتر ازدواج کنی می‌تونی تو این مدت علائق شخصیات را پیگیری کنی و استعدادهات را پرورش بدی. کلاس‌های مختلف هنری ورزشی بری بدون اینکه نگران کارای خونه، آشپزی، مهمون‌داری و همسرداری باشی و کلاً فرصت می‌کنی به خودت و به خواسته‌هات توجه کنی. (مشارکت‌کننده ش ۱)
	ورزیدگی اجتماعی	من معتقدم دیر ازدواج کردن می‌تونه شناخت درست و سنجیده‌ای از مسائل فردی و اجتماعی به افراد بده و توانمندی‌ها و مهارت‌های دخترها رو و تو شرایط مختلف بالا بیره. (مشارکت‌کننده ش ۱۵)
	رهایی از محدودیتهای جنسیتی	تنها بودن و زندگی به این سبک مجردی را می‌پسندم؛ چون من خودم هستم که انتخاب می‌کنم که هر لحظه و هر ساعت زندگی را چگونه بگذرونم و نه کس دیگه بهم بگه. این مدل زندگی را دوست دارم و حاضر نیستم با ازدواج از دست بدم. (مشارکت‌کننده ش ۸)
		آدم تا جوونه باید از فرصتها برای خوشگذرانی و لذت از دنیا استفاده کنه و عشق و حال کنه. اگه ازدواج کنی، باید اسیر دیگری بشی و بعدش هم بچه و مشکلاتش. تا جایی که بشه مجرد بمونم، حتماً ازدواج نمی‌کنم، مگر اینکه مجبور بشم. (مشارکت‌کننده ش ۳)

دو) تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سوزی

از منظر گروهی دیگر از مشارکت‌کنندگان در بحث گروهی، تأخیر در ازدواج، پدیده منفی و مخرب است که خود آسیب‌زا بوده و می‌تواند تبعات ناگواری را بر فرد بار کند. لذا می‌تواند دلالت‌های معنایی منفی ذیل را به همراه داشته باشد:

کاهش امید به ازدواج (به این مفهوم که تأخیر در ازدواج می‌تواند علاوه بر بعد سنی، بعد روانی نیز داشته باشد و فرد از نظر روحی به طور کل امید خود را به ازدواج از دست بدهد. هرچه سن ازدواج بالاتر رود، امکان رسیدن به ذهنیت «تجرّد قطعی» - به این معنی که فرد در ذهن خود فکر ازدواج را برای همیشه منتفی کند - بیشتر می‌شود، کاهش فرصت استقلال از خانواده اصلی (به این معنا که تأخیر در ازدواج موجب می‌شود فرد امکان استقلال از والدین را نداشته و همچنان به آنها وابسته باشد)، عدم پذیرش اجتماعی (تعدادی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که دختران مجرد اغلب در جامعه و در بین خانواده به واسطه شرایط تجرّد در روابط اجتماعی‌شان کمتر مورد تأیید دیگران قرار می‌گیرند و احساس انزوای اجتماعی می‌کنند)، تأخیر در احراز نقش همسری و مادری، فرسودگی زنانه (گاهی طول تجرّد به دوری از لطافت‌ها و رفتارهای زنانه و اخذ روحیات منجر می‌شود)، فرسایش روحی (این تأخیر در برخی افراد می‌تواند باعث احساس ترس از آینده، احساس ناامیدی، نگرانی از حالت بلا تکلیفی، افسردگی، انزوا، هجوم افکار مخرب در ذهن فرد و محرومیت از احساس شادکامی، کم‌حوصلگی و بی‌رغبتی فرد در انجام امور، بی‌تفاوتی نسبت به لذتها و رغبت‌ها، احساس فقدان حمایت‌های عاطفی، احساس عدم درک از سوی دیگران، کاهش اعتماد به نفس و احساس سر‌بار بودن شود) و کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده (به این معنا که تأخیر فرسایشی می‌تواند موجب کاهش رغبت، اشتیاق و همکاری بین اعضای خانواده در زمینه ازدواج فرد و تغییر روابط متقابل درون خانواده شود).

دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو ◇ ۲۶۱

جدول ۳: دلالت‌های معنایی منفی نسبت به تأخیر در ازدواج

دلالت‌های معنایی	تم‌ها	روایت‌هایی از مشارکت کنندگان
تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت سوزی	کاهش امید به ازدواج	الان دیگه بیشتر دخترایی که مثل من سن و سالی از شون گذشته، حتی اونایی که حول و حوش سی سال دارن به خاطر شرایط، امیدی به ازدواج ندارن. این یه مسئله ذهنی است شاید فکر می‌کنن اون‌ی که میخان دیگه وجود نداره. (مشارکت‌کننده ش ۱۹)
	کاهش فرصت استقلال از خانواده اصلی	تا ازدواج نکنی و از خانواده خودت خارج نشی به دختر معنی استقلال را نمیفهمه شاید بعضیا خونه گرفتن و اسم تنها زندگی کردن را بزران استقلال، اما منظور من داشتن زندگی و همسر و خانواده است اون دیگه خانواده نیست. (مشارکت‌کننده ش ۱۷)
	عدم پذیرش اجتماعی	اینکه بتونی برای خودت و تو خونه خودت برنامه ریزی کنی و برای اوقات و برای کارهات، برای رفت و آمدهات برنامه بچینی به نظر من فقط در ازدواج و استقلال از پدر و مادر به دست میاد. (مشارکت‌کننده ش ۲)
	تأخیر در احراز نقش همسری و مادری	دختر مجرد در این مملکت جدی گرفته نمی‌شود. براش هویت قائل نیستن. شخصیت مستقل نداره. (مشارکت‌کننده ش ۵)
	فرسودگی زنانه	یکی از مشکلاتی که دختران مجرد به خصوص در سنین بالا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند مشکلی است که بسیار زیرپوستی و در ناخودآگاه جمعی و فرهنگی مردم کشور ما وجود دارد و آن جدی گرفته نشدن و هویت ندادن به دختران مجرد است. جمع‌های خانوادگی هم هر چقدر دانا و تحصیلکرده باشی و موفق باز هم طرف جدی قرار نمیگیرید. (مشارکت‌کننده ش ۴)
	کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده	خب وقتی دیر تشکیل خانواده بدی معلومه از همه چی عقبی، از یاد گرفتن اداره خونه، از احساس گردوندن خونه به تنهایی تا همسر شدن و دنیای زناشویی تا مادر شدن. تازه بعد هم تو سن بالا ازدواج کنی معلوم نیست بتونی اینها رو خوب انجام بدی. (مشارکت‌کننده ش ۱۴)

۲. علل تأخیر در ازدواج

محور دیگری که در جلسات بحث گروهی مورد پرسش قرار گرفت، علل و عوامل تأخیر در ازدواج بود. علل مطرح شده از سوی مشارکت‌کنندگان در مضامین ذیل طبقه‌بندی شدند:

یک) تنگنای ازدواج

گرچه بسیاری از دختران تمایل دارند تا از رهاورد ورود به دانشگاه، ازدواج موفق‌تری داشته باشند، اما این امر از سوی دیگر موجب می‌شود توقع دختران از ازدواج و همسر آینده و ایده‌آل‌شان بالاتر برود و عده قابل توجهی از آنان به سادگی فرد مطلوب خود را نیابند و در تنگنای ازدواج گرفتار شوند. تعدادی از مشارکت‌کنندگان هم بیان داشتند که دختران با اتمام تحصیل آماده ازدواجند، اما اتمام تحصیلات برای

۲۶۲ ❖ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۹

پسران شروع کار و پیگیری بهبود موقعیت اقتصادی است و این فاصله موجب کاهش فرصت های انتخاب دختران می شود. روایتهای برخی از مشارکت کنندگان در بحث، به قرار ذیل است:

✓ فکر می کردم اگه درس بخونم، موقعیت ازدواج برام بهتر و بیشتر پیش میاد. اما واقعیت اینه که

خواستگارهام که تحصیلات دانشگاهی داشته باشند کم شده. (مشارکت کننده شماره ۲۰)

✓ من با اینکه برام مهم نیست که همسرم تحصیلات دانشگاهی داشته باشه، اما خود پسرها تا می فهمن که من دانشگاه رفتم و مثلاً فوق لیسانسم، میگن فردا میخاد سوادش را به رخ ما بکشه و خودشون اصلاً نمیان. (مشارکت کننده شماره ۱۹)

✓ خیلی از پسرهایی که دانشگاه میرن دیگه فرصت کار کردن و درآمد داشتن ندارن. تازه سربازی هم هست. تا حداقل تا سطح ارشد درس بخونن بعد هم خدمت و بعد هم در پی کاری باشند سنشون بالا میره و دیگه میرن دختری کم سن میگیرن و قاعدتاً تعداد پسرهایی که به ما بخورند کم میشه. (مشارکت کننده شماره ۶)

دو) ریسک ازدواج

افزایش نرخ طلاق و ناپایداری زندگی های مشترک و وجود زندگی های اضطراری در جامعه، موجب بی اعتمادی نسل جوان نسبت به طرف مقابل و ناامیدی نسبت به آینده ازدواج شده است. در چنین شرایطی، نحوه نگرش دختران نیز نسبت به ازدواج تغییر کرده است؛ ترس از بروز اختلاف های خانوادگی، آسیب های بر هم زنده زندگی های زناشویی، ترس از شکست در ازدواج و... در مجموع افزایش ریسک ازدواج در شرایط کنونی ایران باعث کاهش رغبت به ازدواج یا تأخیر در آن شده است. روایتهای تعدادی از مشارکت کنندگان گویای این موضوع است:

✓ الان با این همه طلاق هایی که ما دور و بر خودمون می بینیم، اصلاً جرأت نمی کنیم که به ازدواج فکر

کنیم. (مشارکت کننده شماره ۳)

✓ خیلی از خانواده ها هستند که زن و شوهرها با عشق و علاقه با هم ازدواج می کنند، ولی کارشون بعد چند

مدت به طلاق و جدایی کشیده شده. دیگه با این حجم طلاق، چه ازدواج های سنتی چه ازدواج های مدرن، من یکی می ترسم ازدواج کنم. (مشارکت کننده شماره ۱)

سه) مادی گرایی و تغییر نگاه به ازدواج

ازدواج همواره یک مبادله اجتماعی است، اما چیزی که تغییر می کند به دو نحو ممکن است اتفاق بیفتد: الف) ارزشهای مورد تبادل ممکن است تغییر کند. ب) سطح اجتماعی مبادله تغییر کند (مقدس جعفری و یعقوبی چوبری، ۱۳۸۵: ۹۲). افراد در شرایط ازدواج به دنبال شریکی می گردند که پادشاهی ازدواج را به حداکثر برساند، که به نظر می رسد امروزه به سمت بهره برداری اقتصادی گرایش یافته است؛ به گونه ای که برخی از مشارکت کنندگان معتقدند دیدگاه مادی گرایانه به ازدواج و اینکه به عنوان پله ترقی اقتصادی در نظر گرفته شود، می تواند افراد را در انتخاب شریک زندگی به سمت معیارهای مادی و ظاهر گرایانه نظیر زیبایی،

دلالاتهای معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو ۲۶۳

ثروت، طبقه اقتصادی- اجتماعی بالا، رفاه مادی، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی متمایل کند. روایت‌های برخی از مشارکت‌کنندگان جهت روشنی بیشتر مطرح می‌شود:

✓ شرایط طوری شده که اکثر پسر و خانواده‌هاشون دنبال دختری می‌گردند که پولدار باشه، زیبا، قدبلند و پوشش به روز داشته باشه، حتی فرقی هم نمیکنه با آرایش یا عمل جراحی زیبا شده باشه، بالا شهر نشین باشه، پدر و خانواده اش مهم، سرشناس باشند و وضع اقتصادی شون رو به راه باشه و... خوب معلومه که امثال من روز به روز از تعداد خواستگارهامون کم میشه. (مشارکت‌کننده شماره ۴)

✓ اغلب دختراز جمله خود من پولدار بودن پسر براشون مهمه، چون پول خیلی از مشکلات را حل می‌کنه با پول حتی میشه مدرک خرید، اعتبار اجتماعی کسب کرد و آن طور زندگی کرد که می‌خوایم. (مشارکت‌کننده شماره ۸)

چهار) زاویه‌گیری خانواده از ازدواج

نقش خانواده‌ها در ازدواج فرزندان، شامل آماده‌سازی فرزندان برای ایفای نقش‌های جنسیتی و پذیرش مسئولیت‌های زندگی، تمهید شرایط تا حد امکان برای ازدواج، تشخیص به موقع نیاز فرزندان برای ازدواج، اهمیت دادن به تمام ابعاد رشد فرزندان و محدود نکردن آنها در رشد علمی و پذیرش فرد جدید به عنوان عضو جدیدی از خانواده و حمایت‌گری‌های بعدی است. روایت‌های مشارکت‌کنندگان در بحث گروهی حاکی از آن است که فاصله‌گیری خانواده‌ها از نقش حمایت‌گری و فقدان تصمیم به موقع والدین در مورد ازدواج فرزندان و عدم توجه آنها به عرف معمول جامعه، زمینه بی‌رغبتی جوانان به ازدواج را افزایش می‌دهد؛ همان‌گونه که در روایت‌های برخی از دختران مشهود است:

✓ خانوادم همش به من میگفتن حالا زوده. باید درس بخونی. فقط فکر این بودن که من تا دکترا ادامه تحصیل بدم در حالی که سنم بالا می‌رفت و موقعیت‌های خوب برای ازدواج از دستم می‌رفت. (مشارکت‌کننده شماره ۱۷)

✓ مادر و پدرم تا به خواستگار برام می‌آمد می‌گفتند که باید اول خواهر بزرگت ازدواج کنه چند سال از عمر من سر این چیزها تلف شد و برای همین سنم بالا رفت. حالا هم که خانوادم خیلی دغدغه ازدواجم را ندارن میگن خودت مستقلی میخای چکار که ازدواج کنی. (مشارکت‌کننده شماره ۱۱)

✓ می‌دونید خانواده باید برای ازدواج بچه‌ها به موقع تصمیم بگیره. مثلاً من حدود ۲۵ سالم بود به خانوادم گفتم محل زندگیمون خوب نیست، چند منطقه بالاتر خونه بگیریم. اما اهمیت ندادن؛ حالا که سنم بالا رفته میگن شاید خونه بالاتر بگیریم تا تو ازدواج کنی درحالی‌که دیگه فایده‌ای نداره چون سنم بالا رفته. یا مثلاً نوع برخورد پدر و مادرها با خواستگار مهمه. خانوادم هیچ تلاشی نکردند من بهشون می‌گفتم ببینید بقیه مردم موقع خواستگاری چه جوری حرف می‌زنن یا پذیرایی میکنن اما اونا میگفتن ما کار خودمون را می‌کنیم چکار به مردم داریم. (مشارکت‌کننده شماره ۱۹)

پنج) تغییر فضا و ترجیحات نوین همسرگزینی

با تغییر برخی هنجارها، همه فضاها مکانی برای همسرگزینی بهنجار تلقی می‌شوند؛ یعنی همه جا ممکن است همسرگزینی انجام گیرد. این شرایط از یک سو، موجب افزایش احتمال سوءاستفاده و انتخاب‌های

نادرست می‌شود و از سوی دیگر، منجر به تأخیر در ازدواج جوانانی می‌شود که غیر از فضای سنتی خانه و رسوم معمول، موارد دیگر را نمی‌پذیرند. دیده نشدن افراد پایبند به سنتها در شرایط ازدواج مدرن، مسدود بودن راه‌های صحیح شناخت طرفین و فقدان موقعیت و شرایط اجتماعی مناسب برای آشنایی آنها در ساختارهای مدرن امروزی برای افراد مقتید به ضوابط شرعی و اخلاقی، گذار از ازدواج سنتی و تمرکز بر ازدواجهای براساس عشق، به کاهش یا تأخیر در ازدواجهای برخی از دختران دامن زده است. روایتهای برخی از مشارکت‌کنندگان در این مورد به قرار ذیل است:

- ✓ من و خانوادم کلاً با مدل‌هایی که دختر و پسرها با هم دوست میشن و بعد از چند ماه یا حتی چند سال شاید پسر از دختره خواستگاری کنه خوشمون نیمااد و قبول نداریم. (مشارکت‌کننده شماره ۲۰)
- ✓ من چند مورد خواستگارم داشتم گفته چند ماهی باهم باشیم تا همدیگر رو بشناسیم. اما من میگم هر کاری آداب و رسومی داره و باید ازدواج سنتی و از طریق خانواده باشه برای همین خیلی از خواستگارام را از دست دادم البته هیچ پیشمون نیستیم. (مشارکت‌کننده شماره ۱۱)
- ✓ با از این روشهایی که دختر و پسر با هم قول و قرار ازدواج می‌ذارن بدون اینکه با خانواده‌هاشون چک کنن خوشم نیمااد؛ چون بیشتر مواقع خانواده‌ها مخالفت میکنن و اصل ازدواج منتفی میشه و دخترها از نظر روانی بیشتر آسیب میبینن. (مشارکت‌کننده شماره ۲)

شش) محاسبه هزینه - فایده ازدواج

برخی از دختران مجرد معتقدند که هزینه‌های ازدواج، بیش از فایده‌های آن است و ازدواج موجب می‌شود تا آنها برخی از فرصت‌های دیگر پیشرفت (به خصوص پیشرفت در تحصیل، کار و شغل) را از دست بدهند. از نظر آنان این هزینه‌ها بیش از آن هزینه‌ای است که فرد با ازدواج نکردن از دست می‌دهد. دختران در حین تحصیل، گرایش کمتری به ازدواج دارند. این امر معمولاً ناشی از نداشتن آمادگی لازم برای پذیرش نقشهای همسری و نداشتن وقت کافی برای آن ناشی می‌شود. تحصیل دختران در برخی رشته‌های مردانه و نیز اشتغال آنان در برخی مشاغل یا محیط‌های به اصطلاح مردانه، موجب کاهش مطلوبیت آنان برای ازدواج می‌شود.

- ✓ من فکر می‌کنم اگه ازدواج کنم دیگه نمی‌تونم ادامه تحصیل بدم یا اون کار و شغل دلخواهم را داشته باشم. برای همین ترجیح میدم که فعلاً فکر ازدواج را عقب بیندازم. (مشارکت‌کننده شماره ۱۰)

هفت) سپهر روانی تجرد

در این فضای همه‌گیر اجتماعی، حتی آنهایی که شرایط ازدواج را دارند، متأثر از نگاه عمومی، تمایلی به تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت و تعهد آن را ندارند. پیش‌تر، ازدواج یک الزام بود و ترک آن، نقطه ضعف به حساب می‌آمد. امروزه این هنجار مورد سؤال قرار گرفته و قدرت خود را از دست داده است. نوعی عادی‌سازی در گروههای جوان موجب شده است تا رویکردهای جدید، بیشتر از ارزشهای قدیم

دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو ◇ ۲۶۵

مورد توجه آنان قرار گیرد و ایجاد زندگی مشترک، از اولویت های آنان محسوب نشود. تعدادی از نقل قول های افراد در بحث گروهی در این مورد عبارتند از:

- ✓ الان دیگه آگه پسری دیر ازدواج کنه یا دختری به خاطر تحصیلات مثلاً سی سالش بشه، از نظر مردم خیلی عادیه. (مشارکت کننده شماره ۱۵)
- ✓ قبلاً آگه سن دخترها مثلاً از ۲۳ می گذشت همه نگران می شدند. همه با نگاه بدی در موردش صحبت می کردن. اما حالا حداقل تا ۳۲ سال برای دخترها فشار اجتماعی و نگرانی نیست. (مشارکت کننده شماره ۱۷)

هشت) آنومی در ازدواج

با توجه به تغییرات ساختاری، نهادی و ارزشی سریع در دوران معاصر، نهاد ازدواج مرحله گذار و انتقالی خود را طی می کند و اقتضائات قبلی آن دستخوش دگرگونی شده و با خصوصیات ازدواج در جوامع صنعتی مشابهت پیدا کرده است. تغییر و دوگانگی در ارزشهای تشکیل خانواده، فرد را دچار ابهام و سردرگمی در ملاک ها شرایط ازدواج کرده است. در واقع؛ نوعی به هم ریختگی در معیارهای همسرگزینی ایجاد شده که نه راه بازگشت به معیارهای سنتی وجود دارد و نه با توجه به این وضعیت جدید، معیارهای مناسبی عرضه شده اند. این تغییرات، انتظارات متفاوتی را از سوی طرفین طلب می کند که رعایت آنها از سوی جوانان، ازدواج را با تأخیر و به رو می سازد. به طور مثال، سرگشتگی در اهداف زندگی خانوادگی و در تعیین ملاک های همسرگزینی، وجود تناقضات ارزشی و هنجاری در این ملاک ها و چالش بین نقشهای سنتی و مدرن همسر، اهمیت یافتن افراطی مسائل جنسی در ازدواج و تأکید بر ابعاد عاطفی و بین فردی ازدواج، بر تأخیر در ازدواج تأثیرگذار است. به برخی از روایتهای مشارکت کنندگان اشاره می شود:

- ✓ خیلی از جوونا نمیدونن باید همسر آینده شون چه ملاک هایی داشته باشه، اون عده هم که میدونن مثلاً همسرشون باید با ایمان و محجوب باشه و... خودشون در تعیین مصادیقش سرگردانند. (مشارکت کننده شماره ۴)
- ✓ من بین ملاک های پدر و مادرم که اغلب سنتی فکر میکنن و نظرات و ملاک های خودم که تا حدی مدرنه گیر افتادم. شاید یکی از دلایلی که تا حالا ازدواج نکردم اینه که نمی دونم باید چکار کرد. (مشارکت کننده شماره ۱۴)
- ✓ بیشتر پسرهایی که خواستگاریم میان هنوز تکلیفشون را با ملاک های انتخابشون نمی دونند و هر جلسه یه جور حرف می زنن و تصمیم می گیرن. (مشارکت کننده شماره ۷)

نه) بی اخلاقی های اجتماعی

در شرایط کنونی دو جنس مخالف از فرصت و امکان بیشتری برای ارتباط با یکدیگر برخوردار شده اند. این امر، صرف نظر از آسیبهای اخلاقی در کوتاه مدت، آسیبهای میان مدت و دراز مدتی نیز متوجه جامعه، خانواده ها و جوانان کرده که بی میلی و احساس بی نیازی به ازدواج در بین مجردان، از جمله آنهاست. از

سویی، وجود روابط پیش از ازدواج موجب بی‌اعتمادی نسبت به جنس مخالف و سلب اعتماد اجتماعی و کاهش رغبت به ازدواج در بین جوانان می‌شود. همان‌گونه که در روایتهای برخی از دختران مشهود است:

✓ من خیلی از دخترها و پسرها را می‌شناسم که می‌گن چرا وقتی میشه راحت با چند نفر دوست بود و لذت

برد و مسئولیت نداشت، بریم و خودمون را به یکی محصور کنیم. (مشارکت‌کننده شماره ۳)

۵) بازاندیشی در هویت زنانه

در دهه‌های اخیر در اثر گسترش نوگرایی در عرصه جهانی، تحولاتی در زمینه‌های فرهنگی و ساختاری روی داده که سبب دگرگونی نقشهای اجتماعی و نگرش‌ها به وظایف زنان شده است. افزایش تحصیلات و اشتغال در میان زنان از سویی سبب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی شده و از سوی دیگر موجب دشواری در هماهنگ‌کردن نقشهای سنتی با نقشهای جدید شده است. روندهای جهانی شدن و تغییر نگرش‌ها، هویت فردی و اجتماعی زنان را تغییر داده و زنان هویت زنانه خود را در جایی خارج از خانه جستجو می‌کنند. با متحول شدن تعاریف جنسیتی از نقشهای مردانه و زنانه، افراد دیگر رغبت و توجهی برای ازدواج نمی‌یابند. در ادامه روایتهای برخی از دختران ارائه شده است:

✓ من اعتقاد داشتم که لزومی نداره همه ازدواج کنند. برای همین ترجیح دادم دنبال درس و کار باشم. برای

همین تا این سن و سال هم ازدواج نکردم. (مشارکت‌کننده شماره ۸)

جدول ۴: علل تأخیر در ازدواج از منظر مشارکت‌کنندگان

من خودم معتقدم همیشه هم نقش همسری داشت و هم شاغل بود. برای همین تا حالا ازدواج نکردم. (مشارکت‌کننده شماره ۱۶) مقوله‌های فرعی	مقولات اصلی
عدم دسترسی به فرد ایده‌آل و مطلوب	تنگنای ازدواج
کمبود پسران دارای تحصیلات عالی	
گرایش به معیارهای مادی و ظاهرگرایانه نظیر زیبایی، ثروت، دارایی، طبقه اقتصادی-اجتماعی بالا، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی	مادی-گرایی و تغییر نگاه به ازدواج
حداکثر نمودن پاداش‌ها و دریافتی‌های ازدواج نسبت به مسئولیت آن	
کم رنگ شدن ملاک‌های اخلاقی و معنوی در ازدواج	
ضعف حمایتگری‌های مختلف خانواده از ازدواج	زاویه‌گیری خانواده از ازدواج
فقدان تصمیم به موقع والدین در مورد ازدواج فرزندان	
عدم آماده‌سازی فرزندان جهت ازدواج	
مخالفت خانواده با انتخاب فرزندان در ازدواج	تغییر فضا و ترجیحات نوین همسرگزینی
فقدان موقعیت و شرایط مناسب اجتماعی جهت همسرگزینی	
مسدودبودن راه‌های صحیح شناخت دو جنس در ساختارهای مدرن امروزی	
دیدن نشدن افراد پایبند به سنت‌ها در شرایط ازدواج مدرن	
بیشتر شدن هزینه ازدواج نسبت به پاداش‌های آن	محاسبه هزینه - فایده ازدواج
نداشتن آمادگی ذهنی و فکری برای تقبل نقش‌های همسری و والدینی	
نداشتن وقت کافی برای نقش‌های غیر از تحصیل	
همه‌گیر شدن تجرد یا ازدواج در سن بالا	سپهر روانی تجرد
در اولویت ندانستن ازدواج و زندگی مشترک در مقابل سایر امور	
ابهام و سردرگمی در ملاک‌های انتخاب همسر	آنومی در ازدواج
انتظارات متناقض از زندگی و معیارهای همسرگزینی	
تأکید بر بعد عاطفی و جنسی ازدواج و غفلت از سایر ابعاد	
ارتباط دو جنس مخالف در شرایط کنونی	بی‌اخلاقی‌های اجتماعی
تنوع طلبی جنسی و عدم انحصار و تعهد به یک فرد	
تشکیک در نقش‌های متفاوت زن و مرد و چالش جوانان با نقش‌های همسری	بازاندیشی در هویت زنانه
اعتقاد به عدم الزام به ازدواج برای همه	
جستجوی هویت زنانه در خارج از دایره ازدواج	
کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی	

ز) بحث و نتیجه‌گیری

امروزه برخورداری از سطح تحصیلی بالاتر، علاوه بر معرفی الگوهای نگرشی جدید در باره همسرگزینی، با به تأخیر انداختن نقشهای دوران بزرگسالی، از جمله ازدواج، می‌تواند به افزایش سن ازدواج منتهی شود. (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵: ۱۲۴)

از آنجا که تحصیلات عالی برای دختران فقط معنای آموزشی و حرفه‌ای ندارد و دارای یک معنای مهم اجتماعی است؛ دختران می‌کوشند با توسل به آن، موقعیت اجتماعی خود را در رابطه با خانواده و اطرافیان و جامعه ارتقا بخشند. برخی دختران، آموزش را به ابزاری برای گسترش آزادی‌های فردی و تثبیت «خودمختاری» و «فردیت جدید» خود تبدیل می‌کنند. در واقع؛ این گروه، تأخیر در ازدواج را مثبت ارزیابی می‌کنند. از منظر آنها، «تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سازی» است و ازدواج، امکان ارتقای اجتماعی آنها را کاهش داده و تحقق بسیاری از آرزوهای آنان را با مشکل مواجه خواهد کرد. این نوع نگرش عمدتاً محصول رویکرد برابری جنسیتی و فمینیسم است. البته چنین نگرشی نسبت به ازدواج که فقط کارکردهای منفی از ازدواج را متصور شود، از منظر پارادایم دینی و اسلامی پذیرفتنی نیست. بر اساس رهنمودهای دینی و آیات قرآنی، هدف از خلقت انسان ها، آزمایش و ابتلای انسان ها در دنیا است (ملک: ۲) و زندگی، از جمله زندگی خانوادگی، با همه مشقت های آن، بستری را برای رشد اخلاقی و معنوی فرد مهیا می‌سازد. در درون نهاد مقدس خانواده هر یک از زن و مرد می‌توانند فراتر از خواست ها و منافع فردی به منافع و انتظارات جمعی و منافع دیگری بیندیشد و لذتی عمیق‌تر و ماندگارتر از لذت های مادی را کسب کنند که نگرش مادی‌گرایانه از درک آن عاجز است. از سوی دیگر در آموزه‌های دینی، ازدواج به مثابه ایجاد زمینه و موقعیتی مشروع برای پاسخ به نیازهای جسمی و روحی تعریف می‌شود که ظرفیت تکمیل شخصیت و افزایش معنویت فرد را داراست.

تحصیلات دانشگاهی در ایران به جهت بنیان‌های فکری و اندیشه‌ای غرب‌گرایانه، اغلب موجب تغییرات فرهنگی و گرایش به سمت ارزشهای سکولار و غیر دینی در بین دانشجویان می‌شود که این موضوع نیز به طور غیرمستقیم بر نگرش نسبت به ازدواج تأثیرگذار است. بر اساس نظریه نوسازی و مدرنیزاسیون، در سالهای اخیر دختران دانشجو تلاش می‌کنند با حرکت به سمت مراجع هویت‌ساز غیر سنتی همچون دانشگاه و ادامه تحصیلات و به دست آوردن شغل و کسب استقلال مالی، از چارچوب ارزشهای سنتی جامعه خارج شده، با اتکا به این مراجع هویت‌ساز غیر سنتی، از هویت اجتماعی سنتی خود گذر کنند و ترجیحات زندگی آنها رسیدن به دانشگاه و کسب مدارج علمی است که با تلاش بسیار، بهترین سالهای جوانی خویش را یا پشت کنکور یا در کسوت دانشجویی آن هم در شهر غریب و دور از خانواده صرف می‌کنند و از پذیرش مسئولیت زندگی و اقدام به ازدواج و فرصتهای انتخاب شدن بازمی‌مانند و شانس و فرصت ازدواج آنها کاهش می‌یابد.

بر اساس یافته‌های این مطالعه، از نظر گروه دوم از مشارکت‌کنندگان «تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سوزی» است. این گروه با رویکردی پیامد‌گرایانه، تأخیر در ازدواج را منفی ارزیابی کرده، پیامدهایی نامطلوبی را برای تأخیر در ازدواج در سطح فردی و خانوادگی برمی‌شمارند. از دیگر محورهای مطرح در

دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو ۲۶۹

بحث گروهی، علل تأخیر در ازدواج دختران دارای تحصیلات عالی بود. مشارکت کنندگان در بحث گروهی معتقد بودند یکی از علل تأخیر در ازدواج دختران دانشجو، مضیقه ازدواج است. طرز تفکر و تلقی از همسان‌گزینی در ازدواج موجب شده است تا بسیاری از دختران تحصیل کرده با وجود تحصیلات عالی و موقعیت اجتماعی مناسب، از یافتن شریک زندگی خود بازمانند. با افزایش ورودی دختران به دانشگاهها و بیشتر شدن نسبت دختران در ترکیب جنسیتی دانشگاهها، ازدواج دختران تحصیل کرده با پسران تحصیل کرده با مشکل مواجه می‌شود. دختران تحصیل کرده تمایل دارند با پسران تحصیل کرده ازدواج کنند؛ اما از آنجا که ورودی دختران در دانشگاهها بیش از پسران بوده، تعداد دختران تحصیل کرده بیشتری نسبت به پسران تحصیل کرده وجود دارند و آنان با مضیقه ازدواج مواجه می‌شوند که موجب محدودتر شدن دایره همسرگزینی آنها می‌شود. زنان با افزایش سطح تحصیلات به ویژه در سطوح ارشد و دکتری، تمایل دارند با مردانی ازدواج کنند که از نظر تحصیلی در سطح بالاتری از خود باشند. از طرف دیگر، مردان هم معمولاً به دلیل هنجارهای عرفی و فرهنگی تمایل دارند با زنانی ازدواج کنند که از نظر تحصیلی پایین‌تر از خود باشند. این تمایل در زمان‌های گذشته مشکلی نداشت؛ زیرا تعداد مردان تحصیل کرده بیشتر از زنان تحصیل کرده بود؛ اما در سالهای اخیر با پیشی گرفتن تعداد دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر، امکان ادامه این روند وجود ندارد و زنان در صورتی که بخواهند با مردانی ازدواج کنند که از نظر تحصیلی در سطح بالاتری از خود باشند، دچار مضیقه ازدواج خواهند شد. چنانچه این دختران بخواهند با مردانی ازدواج کنند که علاوه بر تحصیل از نظر سنی نیز بالاتر باشند، این مسئله تشدید خواهد شد. (بلادی، ۱۳۸۳)

از دیگر علل مطرح شده در مورد تأخیر ازدواج، بی‌اخلاقی‌های اجتماعی است. به اعتقاد برخی از مشارکت‌کنندگان، ورود به دانشگاه باعث تغییر در نگرش‌ها، رفتارها و تجربیات جنسی و اجتماعی دانشجویان می‌شود که این وضعیت، ضمن دامن زدن به بحران ازدواج، می‌تواند باعث بی‌اعتمادی مردان به دختران و کمتر شدن شانس ازدواج آنها شود. از سوی دیگر، افزایش تحصیلات دختران ایرانی در اغلب موارد باعث استقلال فکری، شکاف نسلی و آزادی هرچه بیشتر آنها از اطرافیان به خصوص والدین شده، در نتیجه کسب چنین آزادی‌ای، ازدواج را بر اساس معیارهای شخصی تعریف کرده و آن را به تأخیر می‌اندازند (حبیب‌پور، ۱۳۸۵). با افزایش سطح تحصیلات، نگرش فرد نسبت به زندگی و انتخاب همسر تغییر کرده، ضمن افزایش سطح توقعات، از میزان نفوذ و حمایت خانواده فرد در ازدواج وی کاسته می‌شود.

در مجموع با تحلیل دیدگاه برخی مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت اظهارنظرهای مشارکت‌کنندگان تا حدودی فضای ذهنی دانشجویان را در مورد تأخیر در ازدواج را به تصویر می‌کشد و نشان از تغییرات ارزشی و نگرشی مطابق با نظریات فمینیستی در میان بخشی از دانشجویان است. گروهی از دانشجویان نیز به صورت ناآگاهانه فرصتهای ازدواج را از دست داده‌اند. این در شرایطی است که در سبک زندگی اسلامی، بر ازدواج بهنگام^۱ و هدف‌گذاری صحیح در زندگی مطابق با آموزه‌های دینی سفارش شده است و هر دو

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا مِنْ شَابٍ تَزَوَّجَ فِي حَتَائِثِهِ سَبَّهَ إِلَّا عَجَّ. شَيْطَانُهُ يَا وَثِيلَهُ عَصَمَ مَنِّي تَلْتَمِسُ دِينَهُ (دعائم الاسلام، ج ۲: ۱۹۰، ۴)

گروه، چه آنان که تأخیر در ازدواج را فرصت‌سازی می‌دانند و چه آنان که تأخیر را فرصت‌سوزی می‌دانند، رفتاری مغایر با سبک دینی است. به همان اندازه که پیوند زناشویی در اسلام مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته، عزوبت و خودداری ورزیدن از ازدواج و تشکیل خانواده مورد نکوهش قرار گرفته است. ازدواج یک سنت اسلامی است و در اسلام تأکید فراوانی نسبت به آن شده است. «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»^۱ ازدواج، سنت من است و هر کس از سنت من سرپیچی کند، از من نیست. به هر حال، تأخیر در ازدواج معایب فراوانی دارد، گر چه ممکن است از جهاتی برای افراد خاصی محاسنی هم داشته باشد. معایب تأخیر در ازدواج محروم شدن از فواید فراوان فردی و اجتماعی و دینی ازدواج است. اگر به تعویق افتادن سن ازدواج، به افزایش سرمایه‌های انسانی فرد منجر شود و فرد با دیدی بازتر و اندیشمندانه‌تر همسر خود را انتخاب کند، ممکن است که این تأخیر نقش مثبتی در زندگی فرد داشته باشد. ولی در بسیاری از مواقع افزایش بیش از حد سن ازدواج، باعث سرخوردگی‌های عاطفی و روانی در فرد می‌شود که حتی افزایش توانمندی‌های فرد هم نمی‌تواند این سرخوردگی‌ها را درمان کند. در مجموع به نظر می‌رسد آنچه امروزه در فضای اجتماعی مشاهده می‌شود، فاصله بین آموزه‌های دینی و نگرش‌های عرفی در زمینه سن مناسب ازدواج است. تغییرات سبک زندگی از سبک اسلامی به سمت سبک زندگی غربی، الگوهای ازدواج را در برخی از جوانان تغییر داده، منجر به شکاف بین نظر و عمل شده است.

پیشنهادها

- با عنایت به نتایج مطالعه، پیشنهادهایی معطوف به دانشگاه‌های کشور و دستگاه‌های فرهنگی ارائه می‌شود:
- ایجاد زمینه‌های مناسب برای صرف وقت، ابراز وجود، بهره‌برداری مفید از ظرفیت‌ها و پتانسیل دختران به عنوان جایگزین اقبال به ادامه تحصیل و ورود بی‌برنامه به دانشگاه.
- پیش‌بینی الگوهای جدید تحصیلی و شغلی برای دختران در راستای عدم مغایرت ادامه تحصیل و شغل با تشکیل زندگی زناشویی.
- تشویق به ازدواجهای دانشجویی و آشناسازی دختران با شرایط و واقعیات اجتماعی ازدواج.
- اهتمام بیشتر در گسترش فرهنگ ازدواج و ایجاد علاقه‌مندی نسبت به ازدواج از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری مانند پخش برنامه‌های نمایشی جذاب حاوی این پیام یا برنامه‌های مستند آموزشی یا کارشناسی در خصوص الگوهای خانواده موفق، ازدواجهای موفق و ناموفق، انتخاب همسر و معیارهای آن، اهداف زندگی، پیامدهای تجرد و ...
- راهبرد اساسی در زمینه مواجهه با این پدیده، آگاه‌سازی دانشجویان، خانواده‌ها و نهادهای آموزشی از علل و پیامدهای درگیری دانشجویان در دو راهی‌های تحصیل و ازدواج است.



منابع

- آبرفت، حکیمه (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج در بین دختران شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اسکندری چراتی، آذر (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان». فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، سال چهارم، ش ۳.
- ایسنا (۱۳۹۴). خبرگزاری دانشجویان ایران، چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت.
- بلادی موسوی، صدرالدین (۱۳۸۳). «تحصیلات عالی، موازنه جنسی و ازدواج». کتاب زنان، ش ۲۶: ۲۳۰-۲۸۵.
- حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۸۵). «بررسی علل بالا رفتن سن ازدواج دختران و پیامدهای تجرد قطعی برای آنان». گزارش طرح مصوب مرکز امور زنان و خانواده.
- دلخمش، محمدتقی (۱۳۸۶). «ارزشهای ازدواج در جوانان ایرانی». فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، سال سوم، ش ۱۲ (تابستان): ۲۹۹-۳۰۹.
- رفاهی، ژاله و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی در دو موقعیت هنگام ازدواج و اکنون». تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره، ش ۹ (۳۳): ۳۱-۷.
- روزنامه جام جم (۱۳۹۳). «مصاحبه مدیرکل اطلاعات آمار و مهاجرت سازمان ثبت احوال». ۲۱ بهمن.
- صادقی، رسول و همکاران (۱۳۸۶). «واکاوی مسأله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل». پژوهش زنان، دوره پنجم، ش ۱: ۱۰۸-۸۳.
- صالحی امیری، سیدرضا و ابراهیم حاجیانی (۱۳۸۶). الگوهای سبک زندگی ایرانیان. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چ دوم.
- عباسی شوازی، محمدجلال و فاطمه ترابی (۱۳۸۵). «تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، ش ۴: ۱۴۶-۱۱۹.
- کاری، فیروزه (۱۳۸۲). تأثیر تحصیلات و اشتغال زنان بر تأخیر سن ازدواج در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (س).
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). «تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن». پژوهش زنان، دوره دوم، ش ۳ (پاییز): ۱۲۴-۱۰۳.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸). «شناخت وضعیت ازدواج جوانان در سنین مختلف با توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی». حوراء، ش ۳۶.
- کوششی، مجید (۱۳۸۳). «مناقشات در مورد تأخیر در ازدواج جوانان». مجله فرهنگ و پژوهش، ش ۱۶۹.
- گیبینز، جان آر. و بوریمر (۱۳۸۴). سیاست پست‌مدرنیته. ترجمه منصور انصاری. تهران: گام نو.

- محمدپور، احمد (۱۳۸۸). «تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها». فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن انسان‌شناسی ایران، ش ۲ (۱۰)، بهار و تابستان.
- محمدی، سعید و همکاران (۱۳۸۳). «عوامل روان‌شناختی مرتبط با تجرد جانبازان مؤنث». فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، ش ۱۲: ۲۸۸-۳۰۱.
- مقدس جعفری، محمدحسن و علی یعقوبی چوبری (۱۳۸۵). «تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره اول، ش ۲: ۸۹-۱۱۰.
- موسوی، اشرف‌السادات (۱۳۸۲). «مطالعه کیفی- کتبی بر روی موانع ازدواج و عوامل تهدیدکننده آن». گزارش طرح مصوب دانشگاه بهزیستی و علوم توانبخشی.
- میرسندسی، سید محمد و مصطفی محمدی قلعه‌سفیدی (۱۳۹۰). «بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آنها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکرد اسلامی». فصلنامه فرهنگی- دفاعی زنان و خانواده، سال ششم، ش ۱۷.
- نیک‌منش، زهرا و یحیی کاظمی (۱۳۸۵). «علل و راه حل‌های تأخیر در ازدواج جوانان». فصلنامه علوم تربیتی و روان‌شناسی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، ش ۵: ۹۴-۷۷.
- هنینک، مونیک (۱۳۹۲). راهنمای بین‌المللی پژوهش گروه متمرکز برای علوم اجتماعی و علوم بهداشتی. ترجمه ایرج فیضی و مهسا طاهران. تهران: تپسا، ص ۴۵۶.
- هیول، مک‌دونالد (۱۳۸۸). «بررسی علل افزایش سن ازدواج». ویژه‌نامه علمی استانداری مازندران.
- Abbasi Shavazi, Mohammad Jallal & Fatemeh Torabi (2006). "Generational Differences about Consanguineous Marriage in Iran". *Journal of Iran Sociology*, Vol. 7, No. 4: 119-146.
- Abroft, Hakime (2005). *Assessing the Effectiveness of Social Factors in Increasing the Age of Marriage within the Females in Tehran*. MSC Thesis, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Social Sciences.
- Beladi Mosavi, Sadredding (2004). "Higher Education, Balancing Sex and Marriage". *Quarterly Journal Book of Women*, No. 26: 230-285.
- Delkhamoosh, Mohammad Taghi (2007). "Values for Marriage among Iranian Adolescents". *Quarterly Journal of Psychiatry*, Vol. 3, No. 12, summer: 299-309.
- Diekmann, Andreas & Josef Brüderl (1997). *Education and Marriage. A Comparative Study*. May. Word Count: 13,900.
- Gangadharan, Lata & Pushkar Maitra (2001). *The Effect of Education on the Timing of Marriage and First Birth in Pakistan*. February.
- Gybynz, John R. & Lorimer (2005). *Post Modernism Politics*. Translator: M. Ansari. Tehran: Game no.

- Habibpour Gatabi, Karam (2006). **“Investigate the Causes and Consequences of Celibacy for their Marriage”**. According to the Plan Approved by the Center for Women and Family Affairs.
- Hennink, Monique (2013). **“International Focus Group Study Guide for the Social and Health Sciences”**. Translator: I. Fyzee & M. Taheran. Tehran: Tissa, P. 456.
- Hill, McDonald's (2009). **“Investigate the Causes of the Increase in Age at Marriage”**. *Scientific Magazine of Mazandaran State*.
- Karri, Firoozeh (2003). **The Effect of Education and Employment of Women to Delay Marriage Age in Tehran**. Ms. C thesis at University of Alzahra, Faculty of Economics & Social Sciences.
- Kazemipour, Shahla (2004). **“Marriage Age and Demographic Factors Influencing its Development in Iran”**. *Women Strategic Studies*, Vol. 2, No. 3 (fall): 103-124.
- Kazemipour, Shahla (2009). **“Assessment of Adolescent Marriage at Different Ages According to Demographic Characteristics”**. *Hora Magazine*, No. 36.
- Kosheshi, Majid (2004). **“Disputes over the Delay in Marriage”**. *Culture and Research Journal*, No. 169.
- Lawrence, D. & E. Ikamari (2005). **The Effect of Education on the Timing of Marriage in Kenya**. Max-Planck-Gesellschaft.
- Mirsondosi, Seyyed Mohammad & Mostafa Mohammadi Ghalesefidi (2011). **“The Relationship between Women's Education with Increasing Age at Marriage and Prevention Strategies with Emphasis on the Islamic Approach”**. *Cultural- Supportive Journal of Women and Family*, Vol. 6, No. 17.
- Moghadas Jafari, Mh and Yaghubi, A (1385). **“Changes, characteristic & barriers to marriage in the province of Gilan, city of Rasht”**. A manifest of Iranian population association. First review, No. 2: 89-110.
- Mohammadi, Saeid & et al. (2004). **“Psychological Factors Associated with Celibacy Female Veterans”**. *Quarterly Journal of Social Welfare*, Vol. 3, No. 12: 288-301.
- Mohammadpour, Ahmad (2009). **“Qualitative Data Analysis: Practices and Models”**. *Quarterly Journal of Anthropological Society of Iran*, No. 2(10): Spring & Summer.
- Moosavi, Ashrafsadat (2003). **“A Qualitative- Quantitative Study on Marriage Obstacles and Threatened Factors”**. A Report of Social Welfare and Rehabilitation Sciences University.
- Nickmanesh, Zahra & Yahya Kazehrami (2006). **“Causes and Solutions of Young People Delay Marriage”**. *Journal of Educational Sciences & Psychology* (University of Sistan & Baluochestan), No. 5: 77-94.

- Refahi, Jalleh & et al. (2010). "A Comparative Study of Mate Selection in Shiraz on Two Occasions when They Married and at this Time". *News and Research Services*, 9 (33): 31-7.
- Sadeghi, Rasool & et al (1386). "Exploring the marriage issue and validate a solution", *Women Studies*, Vol. 5, no. 1, pp 83-108.
- Salehi Amiri, Sr & Hajiani I (1386). "Iranian life style patterns". Tehran: Expediency Council, center of strategic research, 2nd edition.
- Skandari Cheratti, Azar (2008). "Assessing the Effectiveness of Social Problems in Delaying the Age of Marriage in Golestan State - Iran". *Quarterly Journal of Sociology Azad University of Ashtian*, Vol. 4, No. 3.

